

متن پرسش

بزرگوار، امروز معلم تاریخ من مطلبی بیان فرمودند که جریان شریعت ویژه مراجع با اهل عرفان مشکل اساسی داشتند و اساساً شخصی مثل آیت الله بهجت (رضوان الله علیه) عارف مسلک نبوده است. من از عرفان ابن عربی و حکمت ملاصدرا و نزدیکی و تطابق شرع و عرفان در گفتمان این دو شخص گفتم و شخصیهایی مثل آیت الله شاه آبادی و امام و شهیدایی که مصداق بارز عارف واصل اند. اما ایشان معتقدند اهل شرع به سبب عقایدشان که بسیاری از آن عقاید دگم است حاضر به کنار آمدن با عرفا نیستند و شخصی مثل امام هم مصداق یک متشرع عارف نیست و ایشان در این مباحث تجدید نظرانی هم داشته اند و مصداق تطابق فقه و عرفان نیستند. آیا واقعا به این میزان عرفان ستیزی در جامعه متدین ما ویژه حوزه های علمیه نفوذ کرده یا امثال این معلم، واقعا متوجه عرفان سیاسی و سلوک ذیل شخصیتی مثل امام و شهدا نیستند و با استقرائی ناقص، چند مورد عرفان ستیزی را به کل متدینین و روحانیت نسبت می دهد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال، اگر امروز اسلام محدود به فقه شد، این حرفها به میان می آید که جایگاه عرفان، درست نگاه نمی شود. ولی قصه تاریخی آینده، تاریخی است که اسلام بدون ابعاد عرفانی‌اش، امکان ادامه ندارد و این را عالمانی متوجه شده اند که نسبت به زمانه‌ی خود آگاهی لازم را پیدا کرده بودند. مثل حضرت امام و آیت الله شاه آبادی و علامه‌ی طباطبایی‌ها. موفق باشید